

زندگی نامه حضرت احمد بن موسی (ع)

شأننامه

نام: احمد

لقب: شاه چراغ، سیدالسادات

کنیه: ابو عبدالله

پدر: امام موسی کاظم علیه السلام

مادر: امّ احمد

تاریخ ولادت: نامشخص

تاریخ شهادت: بین سال‌های ۲۰۳ تا ۲۱۸ هجری قمری

قاتل: قتلغ خان (حاکم شیراز) به فرمان مأمون عباسی

محل دفن: شیراز

ولادت

تاریخ دقیق تولد حضرت احمد بن موسی شاه چراغ سلام الله علیه مشخص نیست. اخیراً در شورای فرهنگ عمومی استان فارس نامگذاری یک روز به نام بزرگداشت آن حضرت مطرح شد و متولیان امر تصمیم گرفتند که روز تولد آن حضرت را به عنوان مراسم بزرگداشت انتخاب کنند. لذا برای مشخص شدن روز دقیق تولد، مورخان و محققان تحقیقات خود را آغاز کردند. اما پس از بررسی‌های به عمل آمده کارشناسان به این نتیجه رسیدند که روز تولد حضرت شاه چراغ بدرستی مشخص نیست و در این خصوص نقل‌های متفاوتی وجود دارد. از این رو تصمیم بر این شد که در دهه کرامت یعنی حدفاصل تولد حضرت معصومه سلام الله علیها و امام رضا علیه السلام یک روز به عنوان روز بزرگداشت حضرت احمد بن موسی «شاه چراغ» تعیین شود.

دروماز

حضرت سید امیر احمد (ع) ملقب به شاه چراغ و سیدالسادات، فرزند بزرگوار امام موسی کاظم علیه السلام است.

مادر وی، مشهور به «ام احمد»، مادر بعضی از فرزندان حضرت موسی بن جعفر(ع) بوده است.

ایشان داناترین، پرهیزگارترین و گرامی ترین زنان در نزد آن حضرت بودند و حضرت اسرار خود را به وی می گفتند و امانتشان را نزد وی به ودیعه می گذاشتند.

بیعت با علی بن موسی الرضا علیه السلام

چون خبر شهادت حضرت موسی کاظم علیه السلام امام هفتم شیعیان در مدینه شایع شد، مردم به در خانه ام احمد، مادر حضرت شاه چراغ «احمد بن موسی» گرد آمده و حضرت سید میر احمد را با خود به مسجد بردند، زیرا از جلالت قدر و شخصیت بارز و اطلاع بر عبادات و طاعات و نشر شرایع و احکام و ظهور کرامات و بروز خوارق عادات که در آن جناب سراغ داشتند، گمان کردند که پس از وفات پدرش امام موسی بن جعفر علیه السلام امام بحق و خلیفه آن حضرت فرزندش «احمد» است.

به همیت جهت در امر امامت با حضرتش بیعت کردند و او نیز از مردم مدینه بیعت بگرفت، سپس بر منبر بالا رفت، خطبه ای در کمال فصاحت و بلاغت انشاء و قرائت فرمود، آنگاه تمامی حاضرین را مخاطب ساخته و خواست که غائبین را نیز آگاه سازند و فرمود: همچنان که اکنون تمامی شما در بیعت من هستید، من خود در بیعت برادرم علی بن موسی علیه السلام می باشم، بدانید بعد از پدرم برادرم «علی» امام و خلیفه ی بحق و ولی خداست. و از جانب خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم او، بر من و شما فرض و واجب است که امر آن بزرگوار را اطاعت کنیم و به هر چه امر فرماید گردن نهیم.

پس از آن شمه ای از فضایل و جلالت قدر برادرش علی علیه السلام را بیان فرمود، تا آنجا که همه حاضران گفته های آن بزرگوار را اطاعت کردند، ابتدا او بیعت را از مردم برداشت، سپس گروه حاضران در خدمت احمد به در خانه حضرت امام علی بن موسی علیه السلام آمده همگی با آن جناب بر امامت و وصایت و جانشینی امام موسی بن جعفر علیه السلام بیعت نمودند. و حضرت امام رضا علیه السلام درباره برادرش احمد دعا کرد و فرمود: همچنان که حق را پنهان و ضایع نگذاشتی، خداوند در دنیا و آخرت تو را ضایع نگذارد.

نفره ایران

شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام، پس از حضور با برکت امام هشتم علیه السلام در خراسان برای زیارت چهره تابناک امامت و ولایت از نقاط مختلف، به سوی ایران حرکت می کنند. حضرت احمد بن موسی(ع) نیز در همین سال ها(۱۹۸-۲۰۳ ه. ق) با جناب سید امیر محمد عابد و سید علاءالدین حسین(برادران ایشان) و جمع زیادی از برادرزادگان و محبان اهل بیت علیهم السلام، به قصد زیارت حضرت رضا علیه السلام از مدینه حرکت می نمایند تا از طریق شیراز به طوس عزیمت کنند. در بین راه نیز عده کثیری از شیعیان به آنان ملحق می شوند. خبر حرکت چنین قافله بزرگی مأمون خلیفه عباسی را به وحشت انداخت.

نفره شیراز

در زمانی که حضرت امام علی بن موسی(ع) با ولایتعهدی تحمیلی در «طوس خراسان» بودند، حضرت احمد بن موسی(س) به اتفاق جناب سید محمد عابد و جناب سید علاءالدین حسین برادران خود و جمعی دیگر از برادرزادگان و اقارب و دوستان، به قصد زیارت آن حضرت از

حجاز به سمت خراسان حرکت نمود. در بین راه نیز جمع کثیری از شیعیان و علاقه مندان به خاندان رسالت، به سادات معظم ملحق و به اتفاق حرکت نمودند تا جایی که می نویسند: به نزدیک شیراز که رسیدند، تقریباً یک قافله پانزده هزار نفری از زنان و مردان تشکیل شده بود .

خبر حرکت این کاروان را به خلیفه وقت(مأمون) دادند. وی ترسید که اگر چنین جمعیتی از بنی هاشم و دوستداران و فدائیان آن ها به طوس برسند، اسباب تزلزل مقام خلافت گردد. لذا امریّه ای صادر نمود به تمام حکام بلاد که در هر کجا قافله بنی هاشم رسیدند، مانع از حرکت شوید و آن ها را به سمت مدینه برگردانید. به هر کجا این حکم رسید قافله حرکت کرده بود مگر شیراز.

حاکم شیراز مردی به نام «قتلغ خان» بود. وی با چهل هزار لشکر جرّار، در «خان زنیان» در هشت فرسخی شیراز اردو زد و همین که قافله بنی هاشم رسیدند، پیغام داد که حسب الامر خلیفه، آقایان از همین جا باید برگردید. حضرت سید احمد(س) فرمود: «ما قصدی از این مسافرت نداریم، جز دیدار برادر بزرگوارمان». اما لشکر قتلغ خان راه را بستند و جنگ شدید خونینی شروع شد اما لشکر در اثر فشار و شجاعت بنی هاشم پراکنده شدند .

لشکر شکست خورده، تدبیری اندیشیدند. بالای بلندی ها فریاد زدند: «الان خبر رسید که ولیعهد(امام هشتم علیه السلام) وفات کرد!» این خبر مانند برق، ارکان وجود مردمان سست عنصر را تکان داده، از اطراف امام زادگان متفرق شدند. جناب سید احمد(س) شبانه با برادران و اقارب از بیراهه به شیراز رهسپار گردیدند و با لباس مبدل پراکنده شدند.

شهادت

حضرت احمد بن موسی(س) برای امان از گزند حکومت، به همراه برادر خود مخفیانه به شیراز رهسپار شد. سید احمد در شهر شیراز در منزل یکی از شیعیان در منطقه «سردزک» که مرقد ایشان در این منطقه واقع است، سکنی گزید و در خانه این شخص مخفی گشت و شب و روز را به عبادت می گذرانید .

«قتلغ خان» که جاسوسانی را برای شناسایی و دستگیر نمودن سادات که از مناطق خود فرار نموده بودند قرار داده بود، مکان ایشان را بعد از یک سال یافت و او و همراهانش را محاصره نمودند و نبردی بین آنها و مأموران حکومت در گرفت و سید احمد با شهادت و شجاعت هاشمی خود به دفاع از خود و همراهان خود پرداخت .

هنگامی که «قتلغ» دانست که از طریق ستیز مسلحانه، قدرت از میان بردن آنان را ندارد؛ از طریق خانه همسایه او شدند و از طریق شکافی که در خانه همسایه درست کردند وارد خانه ای که سید احمد در آن پناه برده بود، شدند و زمانی که او برای استراحت و تجدید قوا، پس از نبردی طولانی به خانه رفته بود، هنگام خروج، با شمشیری بر سر او ضربه ای وارد کردند. سپس به دستور «قتلغ خان» خانه را بر روی آن بدن شریف خراب کردند و زیر آوار باقی گذاردند .

با توجه به تبلیغ گسترده حکومت و مأموران بر علیه تشیع و اهل بیت(ع) (تعداد زیادی از مردم که از مخالفین تشیع بودند، حرمت بدن شریف نوه پیامبر را نگاه نداشتند و آن را در زیر آوار نگاه داشته و به خاک نسپردند).